

علل پدید آمدن فرقه‌های نوظهور در جامعه

سمیه جعفری^۱

چکیده

در طول تاریخ و به موازات مکتب برحق انبیای الهی، همواره جریان باطل نیز وجود داشته است. جاه‌طلبی، عشق به شهرت، شهوت مال و مقام، از جمله انگیزه‌های مدعیان دروغین است. در دهه‌های اخیر، رشد فرقه‌های فکری و عرفانی شتاب بیشتری گرفته است؛ اما آنچه مربوط به فرقه‌های نوظهور است، دوره‌ای از زندگی بشر است که ظلم و فساد رواج پیدا می‌کند و ظالمان و ستمگران، به ستمگری خود می‌پردازند و شیاطین مدرن به ترویج کارهای جادوگری می‌پردازند. انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می‌رسد. فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می‌گیرد و واپسین امیدهای بشری به ناامیدی می‌گراید؛ از بعد کیهانی هم عالم، به اتفاقات و پدیده‌های پیش بینی نشده دچار می‌شود. پژوهش حاضر سعی دارد به علل پدید آمدن فرقه‌های نوظهور در جامعه بپردازد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در درون هر فرقه‌ای مریدان چنان مراحل را تجربه می‌کنند که نتیجه آن پس از مدتی دگرگونی فرد و اجتماع است. شیوه پژوهش به اعتبار ماهیت و روش توصیفی است و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: پیدایش، جامعه، فرقه، فرقه‌های نوظهور.

^۱ سطح دو، حوزه علمیه کوثر.

مقدمه

بشر، به اقتضای حب ذات و طبیعت جست‌وجوگر خود که همواره به سرانجام زندگی می‌اندیشد، قدیم‌ترین و معتبرترین منابع پاسخ را ادیان الهی و بیشتر مکاتب بشری نشأت گرفته از آن‌ها می‌داند. امید به جهانی روشن در ادیان مذهبی و آسمانی، نه مانند شهرهای آرمانی فلاسفه، جنبه خیالی و نه مانند زاهدان و عارفان، جنبه فردی دارد. ادیان و مذاهب گوناگون، آینده جهان را پس از شرح اخبار نگران‌کننده مربوط به دوران آخرالزمان، روشن و سعادت‌آمیز معرفی می‌کنند و ظهور منجی آخرالزمان را وسیله پیدایش این سعادت و افول شقاوت و بدبختی می‌دانند؛ بنابراین موضع شفاف و روشنی در مقابل عرفان از سوی دانشمندان مسلمان اتخاذ نشده است و از طرفی، مبانی عرفان نظری و گام‌های عرفان عملی دچار ابهام و دشواری‌اند، باعث شده است که انسان در جستجوی آرامش راه به ناصواب ببرد و به خیال آرامش، در دام عرفان‌های کاذب که در کسوت ورزش‌های آرامش بخشی چون یوگا و یا آزادی‌های جنسی و... بروز کرده است بیفتد. این عرفان‌ها مطلقاً با دین و معنویت سر و کار ندارند و اگر گاه خود را به معنویت پیوند داده‌اند، برای این است که می‌دانند مردم خصوصاً جوانان بر اساس فطرت الهی گرایش ناخودآگاه به معنویت دارند.

در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: «انواع جرایم و آسیب‌های اجتماعی و تأثیرگذاری فرقه‌های نوظهور در ارتکاب آن» نگارنده: رؤیا برمکی؛ در این مقاله با هدف بررسی انواع جرایم و تأثیرگذاری فرقه‌های نوظهور پرداخته شده است؛ و در مقاله‌ی «ویژگی‌های آخرالزمان در اسلام» نگارنده: مرضیه نورایی؛ در این پژوهش، با هدف بررسی ویژگی‌های آخرالزمان در دین اسلام پرداخته شده است؛ ولی در مقاله حاضر سعی شده است ضمن بررسی کردن مفاهیم فرقه و اهمیت آن؛ به بررسی علل پدید آمدن فرقه‌های نوظهور در جامعه پرداخته شود.

۱- مفاهیم

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱-فرقه

کلمه فرقه در لغت از ریشه «فَرَقَ» به معنای جدا کردن، گرفته شده است و اسم است برای گروهی از مردم است.^۱ ابن منظور می‌گوید: «الفرقة: طائفة من الناس»^۲؛ «فرقه به عده و گروهی از مردم گفته می‌شود.»

کلمه فرقه در اصطلاح، معنایی نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کنند، فرقه گفته می‌شود.^۳ مثلاً اگر عده‌ای از پیروان یک دین، اعتقاد خاصی غیر از اعتقاد عموم پیروان آن دین داشته باشند به آن عده فرقه گفته می‌شود. در اینجا حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) ذکر می‌شود تا کاربرد اصطلاحی فرقه بیشتر معلوم شود:

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که می‌فرماید: «الحمد لله صارت فرقة مرجئه و صارت فرقة حرورية و صارت فرقة قدریه و سمیتم الترابیه و شیعة علی»^۴؛ «یعنی حمد خداوند را با اینکه فرقه‌ای مرجئه شدند و فرقه‌ای حروریه شدند و فرقه‌ای قدریه شدند و شما ترابیه و شیعه علی نامیده شدید.»

۱-۲-جامعه

جامعه در لغت، اسم فاعل مؤنث از مصدر «جَمَعَ» به معنای گرد کردن، گرد هم آوردن، فراهم کردن یا فراهم آوردن و برهم افزودن است؛ و بنابراین، به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده یا آورنده، برهم افزاینده و در برگیرنده خواهد بود. این واژه عرفاً به معنای گروه و به خصوص گروهی از انسان‌ها به کار می‌رود، خواه آن گروه از مردم که در یک روستا یا دهکده یا شهر یا استان و یا کشور زندگی می‌کنند، به طور مثال جامعه ایرانی و خواه آن گروه از مردم که دارای یک دین یا مذهب هستند مانند جامعه مسیحیان و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند مانند جامعه

^۱ المنجد عربی بفارسی، ج ۲، ص ۱۳۲۱.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۴۴.

^۳ معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۲۳.

^۴ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۹۷.

معلمان و خواه همه‌ی انسان‌هایی که بر روی زمین به سر می‌برند مانند جامعه بشری یا جامعه بشریت.^۱

و در اصطلاح به مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهد.^۲

منظور از زندگی انسان به صورت دسته‌جمعی و اجتماعی یعنی اینکه دارای ماهیت اجتماعی هستند. یک‌طرف نیازها، کارها و فعالیت‌ها، ماهیت اجتماعی دارند که جز با تقسیم‌کارها و برطرف کردن نیازها با توجه به قوانین و نظام‌های خاصی امکان‌پذیر نیست. به طور کلی می‌توان گفت که جامعه شامل جمع کثیری از انسان‌ها می‌باشد که به خاطر یک سلسله‌ای از نیازها و خواسته‌های خود و تحت نفوذ یک سلسله از عقاید و تفکرات و آرمان‌ها در هم ادغام‌شده و یک زندگی مشترکی دارند.^۳

۲- فرقه‌های نوظهور

هنوز تعریف پذیرفته شده و کاملی از فرقه‌ها نوظهور عرضه نشده است. به عبارت دقیق‌تر امکان ارائه تعریف دقیق علمی و منطقی به صورتی که جامع و کامل باشد و همه شقوق را شامل شده و آن را از دیگر جریان‌ات متمایز کند وجود ندارد. به صورت ابتدایی می‌توان گفت که مجموع گروه‌ها و جریان‌اتی که هدف یا منش معنوی و عرفانی داشته و آموزه‌های باطن‌گرایانه را برای جذب مخاطب تبلیغ کرده‌اند، به فرقه‌های نوظهور معروف می‌باشند. البته اصطلاح نوظهور با توجه به سابقه زمانه‌ای این جریان‌ها استفاده می‌شود و از واژگانی چون کاذب، زمینی و غیره نیز استفاده می‌شود. در واقع، فرقه‌های نوظهور، به معنویت‌هایی اشاره دارد که در سال‌های اخیر در ایران، ظهور و گسترش پیدا کرده‌اند. البته برخی از فرقه‌ها مانند یوگا و عرفان سرخ‌پوستی از نظر تاریخی دارای سابقه دیرینه‌ای می‌باشند اما ورود آن‌ها به ایران در دهه‌های اخیر شدت گرفته و به این خاطر نوظهور تلقی می‌شوند. با توجه به تعریف فرقه روشن می‌شود که اصل اولی در فرقه، عمل خالصانه و کوشش مجدانه و مستمر در انجام دستورات الهی و آداب و اخلاق شریعت محمدی است که در این صورت، قلب نورانی می‌شود و به حقیقت توحید می‌رسد.^۴

^۱ مصباح، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۱.

^۲ مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۳۱۳.

^۳ کوهن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵۹.

^۴ سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص: ۷۷.

هر فرقه و نحله‌ای که ادعای عرفان و تصوف دارد، باید با این عیار محک زده شود، ولی متأسفانه در برابر فرقه‌های اصیل و ناب، عرفان‌های دروغین و حيله‌گر امروزه جلوه‌گر شده‌اند و با جذابیت‌های خاصی سعی در به انحراف کشاندن مردم و مخصوصاً قشر جوان جوامع بشری را دارند. در این فرقه‌ها الزاماً نزدیکی و محبت خداوند هدف اصلی نبوده است و اهدافی ادعائی مانند عشق، شادی و آرامش جای آن را گرفته است با این حال عواملی مانند ترویج تکثرگرایی دینی، مرید پروری، ایجاد کمون و پایگاه، معرفی عشق به عنوان هدف، توجه به درون و اخلاق، توجه به مسائل جنسی و... ویژگی‌های کم و بیش مشترک میان آن‌ها است.^۱

طبیعت‌گرایی افراطی (ناتورالیسم) و عرفان‌های باستانی و بودیسم از جمله تعلیمات اوشو و هندوئیسم و سرخ‌پوستی و تعالیمی چون «یوگا» و «ذن» و شیطان‌پرستی و کابالایسم (تصوف یهودی) و بنیادگرایی مسیحی و سبک‌های نوین «مدیتیشن» تمرکز کردن بر قوای باطنی که به حالتی شبیه به خصله می‌انجامد و «ریلکسیشن» (تعادل روحی پیدا کردن) از جمله مکتب‌هایی هستند که ما از آن‌ها به عنوان فرقه‌های نوظهور یاد می‌شود. این گونه فرقه‌ها از لحاظ محتوی و شکل ظاهری، بسیار متنوع هستند، مثلاً در شیطان‌پرستی اگرچه خدایی وجود دارد ولی قدرت مطلق از آن شیطان است، اما در طبیعت‌گرایی خدایی اصلاً وجود ندارد.^۲

۳- علل پدید آمدن فرقه‌ها نوظهور

در اینجا به مهم‌ترین علل پدید آمدن فرقه‌های نوظهور در جامعه می‌پردازیم.

۱-۳- فطرت معنویت جوی انسان

از مهم‌ترین علت پدید آمدن فرقه‌های نوظهور فطرت معنویت جوی انسان است. در طول تاریخ، ایرانیان بیش از سایر مردم جهان به معنویت توجه و تمایل نشان داده‌اند. از همین رو می‌توان گفت فرهنگ ایران، فرهنگی عرفانی و معنوی است و جامعه ایرانی پیشینه‌ای عرفانی و مذهبی دارد. تمایل ایرانیان به کتب معنوی و عرفانی و علاقه ایشان به آثار بزرگانی چون حافظ، سعدی، ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری این مسئله را تأیید می‌کند. ادعاهای دروغینی که در مورد ارائه معنویت از سوی رهبران فرقه‌های نوظهور مطرح می‌گردد، موجب می‌شود که برخی از مردم، به بیراهه رفته و برای دستیابی به معنویت به پیروی از این فرقه‌ها بپردازند.^۳

^۱ شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب، ص ۲۳.

^۲ ملکیان، راهی به رهایی، ص ۳۷۶.

^۳ همان.

۱۵-۳- رسیدن به آرامش

از دیگر علت پدید آمدن فرقه‌های نوظهور در جامعه رسیدن انسان به آرامش است؛ که جزو یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان محسوب شده و در سعادت یا گمراهی او تأثیرات قابل توجهی دارد. سرکردگان عرفان‌های نوظهور که به نیاز انسان به کسب آرامش واقف هستند، این نیاز بسیار مهم را دست‌مایه‌ای برای جذب مردم به عقاید پوچ و باطل خود قرار داده‌اند. به عنوان مثال، در یوگا تلاش می‌شود تا از طریق ورزش، انسانها به آرامش دست یابند؛ اما باید در نظر داشت که تمامی راهکارهایی که برای رسیدن به آرامش از سوی رهبران عرفان‌های نوظهور ارائه می‌شود، در واقع همچون مسکن‌هایی هستند که نه‌تنها مشکل اصلی فرد را برطرف نمی‌کنند، بلکه موجب می‌شوند تا شخص با عطش بیشتری این راهکارها را تکرار کند.^۱

۱۶-۳- ثروت حاصله از گرایش به عرفان‌های نوظهور

از دیگر علت پدید آمدن فرقه‌های نوظهور، ثروتی است که از طریق ورود به جمع مروجین و مبلغین این عرفان‌ها عائد فرد می‌گردد. در توضیح پیرامون این مسأله باید گفت برخی از افراد به دلیل ناتوانی در برطرف کردن حوائج مادی وارد این عرفان‌ها شده و با طی کردن دوره‌های کوتاه، تبدیل به مروجین و معلمین این عرفان‌ها می‌گردند و با آموزش آنچه که خود از رهبران این عرفان‌ها فرا گرفته‌اند، مبالغ قابل توجهی را به دست می‌آورند. نمونه بارز این مسأله را می‌توان در عرفان حلقه مشاهده کرد که بسیاری از مسترهای آن درآمدهای میلیونی داشته و وجود همین درآمدها، موجب شده است که در عرفان حلقه باقی مانده و از رهبر آن حمایت کنند.^۲

^۱ واتسون، فوق طبیعت، ص ۹۱.

^۲ همان.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می شود که جامعه ای که مطلوب دین اسلام است آن جامعه ای است که دارای این دسته افراد باشد: مردمی راستگو و حلال خور که از مال شبهه ناک هم اجتناب کرده و اهل ستم و خیانت با چشم و گوش و زبان نیستند و عالمانی که زهد و خیرخواهی در اندیشه ایشان نهاده شده و دانش آموزانی که با شوق و تلاش به اندوختن علم مشغول اند و پیرانی که وقار و متانت، شعارشان بوده و جوانانی که توبه و عبادت در سر رشته امورشان قرار دارد و زنانی که حیا و عفت سرلوحه زندگی ایشان است و ثروتمندانی که با تواضع به فقرا می بخشند و تنگدستانی که قناعت و شکیبایی می ورزند و حاکمان دلسوزی که به رعیت، خوش رفتار و دلسوزند و رعیتی که در تعامل با دیگران انصاف دارند. این یک جامعه مطلوب ائمه معصومین (علیهم السلام) است که آن بزرگواران، در دعایشان به آن تصریح فرمودند و در صدد تأسیس آن هستند؛ ولی با این حال، دولت آن بزرگواران در شرایطی در عالم، مستقر می شوند که حال و هوای اجتماع، نه تنها شباهتی به این فضا ندارد؛ بلکه درست در جهت مقابل، به انواع و اقسام آلودگی ها به ویژه شیطان پرستی مدرن ملوث است. نه پیرانشان اهل وقار و عبادت و نه جوانانشان با توب، انس دارند و نه زنانشان با حیا و عفت، نه رعیت ایشان با انصاف و مروت و نه حاکمان، رحم و شفقتی دارند. این همان جامعه آخر الزمانی فرقه های نوظهور است که باید با ظهور منجی به یکباره اصلاح و دگرگون می شود.

منابع

کتب فارسی

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، «من لایحضره الفقیه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۸۷ ش.
- ۲- «کمال الدین»، تهران: فقه، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.
- ۳- ابن رازی، جعفر بن احمد، «جامع الحادیث»، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، جلد سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- ۵- باقریان موحد، سید رضا؛ «نگاهی به آثار و اندیشه‌های پائولو کوئیلو»، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غررالحکم و غررالحکم»، مترجم: مصطفی درایتی، مشهد: الجواد، ضریح آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۷- حاجتی، احمد رضا، «عصر امام خمینی»، تهران: بوستان کتاب، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۵ ش.
- ۸- حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، مترجم: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، تهران: کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۰- سجادی، سیدجعفر، «فرهنگ معارف اسلامی»، جلد دوم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۱- سیوری، جمال الدین مقداد، «نهج الحق و کشف الصدق»، تهران: هجرت، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ش.

- ۱۲- شریفی، احمد حسین، «درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب»، تهران: صهبای یقین، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۳- شعیری، تاج الدین، «جامع الاخبار شعیری»، تهران: حضرت عباس (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن حسن، «مکارم الاخلاق»، تهران: حبیب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۵- طوسی، محمد بن حسن، «امالی»، تهران: اندیشه هادی، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۶- عمید، حسن، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران: جاویدان، چاپ هشتم، ۱۳۵۴ ش.
- ۱۷- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، «روضه الواعظین»، تهران: دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۸- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل، «العین»، تهران: دارالهجره، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، «کافی»، جلد دوم، تهران: دارالثقلین، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش.
- ۲۰- کوهن، بروسن، «مبانی جامعه شناسی»، مترجم: غلام عباس توسلی، رضا فاضل، تهران: سیمیا، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
- ۲۱- گروهی از نویسندگان، «بانک جامع دوازده جنبش نوظهور معنویت نما»، اصفهان: قائمیه، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۲- لیثی واسطی، کافی الدین، «عیون الحکم و المواعظ»، تهران: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، جلد اول، تهران: دارالحديث، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۴- مصباح، محمد تقی، «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن»، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.

۲۵- مطهری، مرتضی، «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»، تهران: صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۶ ش.

۲۶- معلوف، لوئیس، «المنجد»، مترجم: محمد بندریگی، تهران: انتشارات ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.

۲۷- معین، محمد، «فرهنگ معین»، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.

۲۸- ملکیان، مصطفی، «راهی به رهایی»، تهران: شولا، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.

۲۹- نوری طبرسی، میرزا حسین، «مستدرک الوسائل و مستنبط الرسائل»، تهران: آل بیت، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

۳۰- واتسون، لیا، «فوق طبیعت»، تهران: امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

کتاب عربی

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، «الغیبه نعمانی»، بیروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

فصلنامه

۱- سبحانی، جعفر، «درس‌هایی از مکتب اسلام»، فصلنامه علوم دینی، شماره ۱، فروردین ۱۳۷۶.